

از حقیقت

تا

واقعیت

مقدمه:

شاید این نکته را بارها متذکر شده‌ایم که در چرخه دارودرمانی، داروخانه آخرین ایستگاه بوده و با این تعبیر از حساسیت زیادی برخوردار است. بیمار، گمشده خویش را در این‌جا می‌جوید و همه مشکلات را در این رابطه، از چشم مسئولین داروخانه و در رأس آنها دکتر داروساز می‌بیند. بنابراین دست‌اندرکاران بخصوص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بایستی عنایت بیشتری به مشکلات این محیط درمانی داشته و با تلاش مستمر به منظور رفع آنها، در واقع سعی در کاهش سنگینی بار مسئولیت خویش در قبال بیماران و نیازمندان نمایند. با اعتقاد به این مطلب و عنایت به این نکته که بازگو کردن درد، نیمی از درمان است، گوشه‌ای دیگر از مشکلات کار در داروخانه را با هم مرور کرده و امیدواریم که راهگشای مسئولین در رفع نارسایی‌ها باشد.

*

«قسمت چهارم»

دکتر فریدون سیامکنزاد



هیچگونه چشمداشتی در جهت دریافت وجه آن نداشت.

گران شدن دارو در این یکی دو ساله اخیر باعث شده که معضل جدیدی برای داروخانه بوجود آید و آن داروهای زیادی است که به دلیل قیمت بالایشان، توسط افراد مختلف به داروخانه آورده شده و تقاضای بازپس گرفتن پول آن از مسئولین داروخانه را می‌نمایند.

به هر حال روزی نیست که شاهد موارد متعددی از پس آوردن دارو توسط بیماران در داروخانه نباشیم و به دنبال آن درگیری‌های زیادی که به این دلیل در داروخانه اتفاق می‌افتد را مشاهده نکنیم.

همانگونه که همه دست اندرکاران مسائل دارویی در جریان هستند، قیمت دارو بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا دو سال قبل ثابت و بسیار نازل بود. قیمت پایین دارو و عدم تناسب آن با دیگر هزینه‌ها موجب می‌شد که اگر بیماران دارویی را مصرف نمی‌کردند و یا پزشک آنها با تغییر در نوع درمان، داروی قبلی‌شان را قطع می‌کرد، این داروها یا بدون مصرف در گوشه خانه‌ها انباشته می‌شد، و یا اگر بیماری احساس مسئولیت می‌کرد، داروی مصرف نشده‌اش را در اختیار مراکز خیریه قرار می‌داد. اگر هم داروی اضافی بیمار به هر دلیل به داروخانه برگشت داده می‌شد (البته به شرط قابل استفاده بودن مجدد)، آورنده دارو

بیماری به خاطر بیماریش به پزشک مراجعه می‌کند، پزشک برایش داروی مورد نیاز را تجویز می‌کند، بیمار دارو را از داروخانه تحویل می‌گیرد، یکی دو روز آنرا مصرف می‌کند، بدون توجه به ادامه درمان و بی‌صبرانه وقتی نتیجه نمی‌گیرد (بدون تکمیل درمان نباید هم نتیجه بگیرد!) به پزشک دیگری مراجعه کرده و پزشک دوم نیز معمولاً بدون توجه به نحوه درمان همکار قبلی خویش و دیدن داروهای بیمار، داروهای جدیدی را تجویز می‌نماید و در حالی که این تسلسل توسط بیمار و طبیب‌های دیگر در خیلی موارد ادامه می‌یابد، تاوانش را داروخانه و دکتر داروساز بایستی پس بدهند.

این روزها موارد متعددی از تقاضای پس دادن دارو توسط بیماران یا همراهانشان به داروخانه‌ها وجود دارد و هر بار نیز تشنج جدیدی بوجود آمده و روند صحیح کار را مختل می‌نماید.

چند روز پیش فردی در حالیکه چهار کیسه دارو به همراه داشت به داروخانه مراجعه کرد و از مسئول داروخانه تقاضا کرد که داروهایش را پس بگیرد. برای این که از چند و چون مسأله مطلع شوم و علت برایم مشخص شود از وی خواستم که همراهم به این طرف داروخانه بیاید و سپس دلیل عودت دادن داروها را آنهم با این مقدار جو یا شدم.

گفت: آقای دکتر! مادرم مدتی است دچار پادرد و کمردرد شده است. هرکاری می‌کردم حاضر نمی‌شد پیش دکتر بیاید. بالاخره با کلنجارهای زیاد راضی‌اش کردم و در طول یک

هفته اخیر چهار دکتر عوض کرده‌ام و هر کدام هم یک کیسه دارو برایش نوشته‌اند، (حالا از چه وقت واحد دارو کیسه شده است، نمی‌دانم!) ولی نمی‌دانم چرا خوب نمی‌شود. برایش توضیح دادم که تنها دکتر رفتن و نسخه گرفتن و دارو تهیه کردن که برای درمان یک فرد کافی نیست. باید به دستورات دکتر عمل کنی و داروهای تجویز شده را تماماً مصرف کنی تا بیماری بهبود یابد. خلاصه بعد از کلی نصیحت کردن و راهنمایی در مورد راه و روش صحیح دارودرمانی، شروع به بررسی داروهایش نمودم.

با کمال تعجب ملاحظه کردم که تقریباً اکثر قریب به اتفاق داروها مشابه هستند. منتها چون از داروخانه‌های مختلف تهیه شده‌اند، هر یک از داروها مربوط به کارخانه‌ای با بسته‌بندی‌های متفاوت هستند که تشخیص یکسانی آنها احتیاج به آدم خبره و آشنا به دارو دارد. برای این که حرمت همکاران خود را داشته باشم به وی چیزی نگفتم و در حالی که او را قانع کردم که داروهایش را طبق مقررات نمی‌توانیم پس بگیریم، برایش توضیح دادم که چه بایستی بکند. به او گفتم که داروها چگونه بایستی مصرف شوند و به روش درست و طبق دستور پزشک معالج (کدام یک از پزشکان، دیگر بماند!) و تمام و کمال هم می‌باید مصرف گردند. ضمناً به وی گوشزد کردم که بخشی از بیماری مادر ایشان ناشی از کهولت و سن زیاد است و دارو هم نمی‌تواند معجزه کند. نمی‌دانم قانع شد یا نه، ولی این حس را داشت که حداقل برای پس دادن دارویش پافشاری نکرد و این یکی بدون

جار و جنجال و بهم ریختن محیط کار، راهی شد.

وقتی مرد با کیسه‌های دارویش رفت، پیش خودم فکر کردم که اگر همکاران پزشکی کمی حوصله کنند و سابقه بیماری و داروهای مصرفی و نظریه دیگر همکارانشان را راجع به یک بیمار و بیماری وی جویا شوند و به درمان دیگر همکارانشان اعتماد نمایند و بعد از نسخه کردن دارو برای بیمارشان وی یا همراهانش را راهنمایی کنند که چگونه به دستورات عمل نمایند، نه یک بیمار در طول یک هفته چهار دکتر عوض می‌کند و نه هریک از طبیبان بدون اطلاع از طبابت همکار دیگرشان، یک سری داروی یکسان و مشابه تجویز می‌کنند.

و در یک کلام اگر فرهنگ نسخه‌نویسی تغییر کند و طبیب بر اساس درخواست بیمار برایش دارو تجویز نکند و اصولاً دارودرمانی در مملکت متحول گردد، بطوری که اعتماد لازم نسبت به درمان بیماران در بین پزشکان مختلف بوجود آید، هرگز و تحت هیچ شرایطی نه دارویی نزد بیماری زیاد می‌آید که در کنار خانه‌ها انبار شود و نه احتیاجی پیش می‌آید که هر طبیبی با تجویز یک سری داروی جدید، عملاً داروهای قبلی بیمار را از حیز انتفاع بیاندازد تا در نهایت مشکلات پس آوردن دارو گریبانگیر داروخانه شود و دکتر داروساز پاسخگوی تمام مشکلات بوجود آمده در این زمینه برای بیماران باشد.

ذکر این مسأله نیز مهم است که همکاران داروساز در داروخانه نقشی مهم و اساسی در چگونگی مصرف دارو دارند و بایستی توجه

داشته باشند که چنانچه بدون نسخه طبیب، دارویی را که نیاز به تجویز پزشک دارد در اختیار بیمار قرار دهند. به مصرف بی‌رویه آن کمک کرده‌اند. مسأله بسته‌بندی دارو و عدم تناسب آن با میزان مصرف نیز از مسائلی است که بایستی به آن توجه شود تا از حیف و میل دارو و مصرف بی‌رویه آن جلوگیری گردد.

البته نکته حائز اهمیت که در این میان نبایستی فراموش شود این است که وقتی دارو بوسیله بیمار از چرخه مصرف خارج می‌شود، چنانچه دوباره وارد این چرخه شود تأثیرش را بر روی آمارهای مصرف خواهد گذاشت و همیشه برنامه‌ریزان دارویی را دچار اشتباه خواهد ساخت که در نهایت سیستم دارویی را مختل کرده و به بودجه در نظر گرفته شده برای این منظور صدمه وارد می‌کند.

کلام آخر نیز این است که درست است دارو توسط بیمار مصرف می‌شود، ولی در واقع مصرف‌کننده اصلی دارو، پزشکی است که آنرا برای بیمار نسخه می‌کند و تا زمانی که فرهنگ طبابت و نسخه‌نویسی تغییر نکند، سیستم دارویی اصلاح نشده و هر طرح و برنامه‌ای برای سر و سامان دادن آن ابتر بوده و راه به جایی نخواهد برد.

من نیز در گوشه داروخانه با مرور نکات فوق همچنان شاهد فروریختن حقایق ثبت شده در ذهنم در مواجهه با واقعیات موجود هستم و تنها امیدواریم حل معضلات موجود به کمک تمامی دست‌اندرکاران دارودرمانی مملکت می‌باشد.

«ادامه دارد»